

# دموکراسی تو روز روشن؛ فریب دوسویه

ضد پیشنهاد

چاپ شده در: روزنامه شرق

زمان انتشار: اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

این یادداشت در ستون "ضدپیشنهاد" روزنامه شرق چاپ شد.

\*

\*

اهالی فرهنگ و سینمای ایران و دوستان دست به قلم که تقریباً همه، در گوشه ای از خوان گرمی که حجه الاسلام محمدعلی زم در دوره های گذشته و به ویژه در طول دهه ۱۳۷۰ گسترده بود، سهیم بودند و بودیم، حالا و در هر جمع و محفلی از اندوه و اسفی عمیق برای کژی مسیر آن فرهنگ شناسی ها در محصولی به نام جعلی «دموکراسی تو روز روشن» که درباره هر چه باشد، ربطی به دموکراسی ندارد، حرف می زنند. این اندوه و اسف را می توان با بازشناسی و بررسی مقایسه ای یکایک عناصر کلیدی محصولات پیشین برآمده از هویت و فردیت آقای زم با طنز/هجو جاری در این فیلم، ریشه یابی کرد؛ که از تصویر جامعه دلال پرور ایرانی در «آدم برفی» تا شوخی های تابوشکن با روابط زن و مرد در «مرد عوضی» تا بحران جنسی جامعه و زمانه در «شوکران»، امتدادی مبسوط و ستودنی دارد. و مشکل هم فقط این نیست که میرباقری و هنرمند و افخمی در آن زمان خلاق بودند و حالا آقای به نام علی عطشانی این جاست که خود آقای زم گفته و می گوید او را فقط بابت این آوردم که افکار مرا در فیلم پیاده کند. مشکل این است که خود آن تفکرکه زمانی مهم ترین رویکرد هر هنرمند آگاه در حرکت به سوی همکاری با ایشان بود، حالا به چه سطح و گرایشی رسیده است. «دموکراسی تو روز روشن» با عزرائیلی که عینک آفتابی مد روز اریژینال می زند و ماشین SUV جدیدش در جبهه هم مثل برق می زند و ردای قهرمانان مجموعه «ماتریکس» را به تن می کند، با فرستادن جانباز کنونی و رزمنده قدیمی (حمید فرخ نژاد) به برزخ و بازخواست هایش، و بعد با دادن فرجه ای یک هفته ای برای پرسه زدن در بهشت و آن دنیا و این دنیا، می خواهد به او و به ما نبوش کنندگان اندیشه آقای زم که امروز به این جا رسیده، چه درسی بدهد؟ این که حتی اگر دختر

زیردبستان مان را به اجبار وادار به پوشش کردیم و در برزخ بابت این رفتار افراطی مان سرزنش شنیدیم، حتی لازم نیست یک قدم برای جبران آن برداریم؟ این که تنها کافی است از هم رزمی که زمانی از ترس، نتوانسته ایم نجاتش بدهیم، حلالیت بطلبیم و بعد با خیالی آسوده به آغوش مرگ بازگردیم؟ این که در تعبیر من درآوردی فیلم از معادلات آن جهانی، نماز خواندن یک رزمنده در بهشت برزخی را مترادف با «بالن زدن» (اصطلاح بچه امروزی ها برای مصرف مواد مخدر) می گیرند؛ که یعنی نشنگی در آن دنیا به این واسطه حاصل می شود؟! آیا این در نگاه رسمی به حرمت دین و باورهای معنوی در فیلم نمایان شده که چنین اکران و تبلیغات و امکاناتی به آن بخشیده اند؟ یا در نگاه مردمی و غیررسمی به جسارتی در شوخی با تابوها تعبیر شده که چنین فروشی را برای فیلم رقم زده است؟ یا شاید نکند ما کلاً پرتیم که فکر می کنیم بحث چنین زمینه های پیچیده ای دارد؟ نکند همه چیز به نمایشی فریبنده از دموکراتیک نمایی با تحمل دوسه جمله ادای ظاهری و استقبال سطحی از آن در واکنش مردمی بازمی گردد؟!